

بی‌اعتمادی اجتماعی در اشتراک دانش به مثابه مساله اجتماعی (مورد مطالعه: دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز)

محمدباقر علیزاده اقدم^۱، محمد عباس زاده^۲، توکل آقاباری هیر^۳، داود قاسم زاده^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۴/۳۰

چکیده

اشتراک دانش یکی از عناصر اصلی مدیریت دانش بوده که نقش پراهمیتی را در محیط دانشگاهی برای تولید و خلق دانش جدید و مزیت‌های رقابتی بازی می‌کند. اعتماد اجتماعی مکانیسم تسهیل‌گری و واسطه‌ای در اشتراک دانش را دارد. بنابراین، هدف پژوهش حاضر، مطالعه جامعه شناختی بی‌اعتمادی اجتماعی در اشتراک دانش به مثابه مساله اجتماعی می‌باشد. روش این پژوهش از نوع توصیفی-پیمایشی بوده و جامعه آماری کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز که با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب ۶۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد اشتراک دانش و اعتماد اجتماعی بوده که با استفاده از نرم افزار Spss نسخه ۲۲ تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی همبستگی مثبت و معنی‌داری با اشتراک دانش دارد. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که مولفه‌های اعتماد اجتماعی با همه ابعاد اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارند. نتایج آزمون t نشان می‌دهد که اشتراک دانش برحسب جنسیت تفاوت معنی‌داری ندارد. نتایج حاصل از رگرسیون حاکی از این است که مولفه‌های تمایل به همکاری، اعتماد نهادی، صداقت و سن ۳۹ درصد از واریانس اشتراک دانش را تبیین می‌کند و بعد تمایل به همکاری با ضریب بتای ۰/۳۳ بیشترین نقش را دارد. بنابراین، برای افزایش دادن میزان اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی بایستی به عوامل تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی در دانشگاه توجه جدی بشود.

واژگان کلیدی: اشتراک دانش، اعتماد اجتماعی، اعتماد نهادی، دانشجویان تحصیلات تکمیلی.

۱. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی، دانشگاه تبریز؛ پست الکترونیکی: Aghdam1351@yahoo.com

۲. استاد و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز؛ پست الکترونیکی: m_abbaszadeh@tabrizu.ac.ir

۳. دانشیار و عضو هیات علمی گروه علوم اجتماعی دانشگاه تبریز؛ پست الکترونیکی: aghayarih@yahoo.com

۴. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه تبریز؛ پست الکترونیکی:

بیان مساله

جامعه‌شناسان علم بر اهمیت ارتباطات به عنوان سازوکار اصلی تکوین و تولید علم تاکید کرده اند و پیشرفت علم را بازتابی از نظام ارتباطی آن می‌دانند. ارتباطات علمی در درون سازمان‌های آموزشی و پژوهشی و نیز فراتر از مرزهای این نهادها همواره یکی از عوامل تاثیرگذار بر تولید و گسترش دانش بوده است. این ارتباطات زمینه ایجاد انسجام و هماهنگی در جامعه علمی، تعامل دیدگاه‌ها، ترکیب ایده‌ها و ایجاد نظریه‌های جدید، گسترش رویکردهای بین رشته‌ای و ایجاد رشته‌های جدید دانش، برقراری روابط بین نهادهای در علم و کاربرد نتایج علم در صنعت و فناوری و سرانجام تحول ساختاری نهاد علم و بازسازی مستمر نظام‌های اساسی دانش را فراهم می‌آورند (قائم پور، ۱۳۹۳: ۱۲۲). در اقتصاد معاصر، دانش یک منبع استراتژیکی است و مدیریت موثر این منبع، یکی از چالش‌های مهمی است که سازمان‌ها با آن مواجه هستند. اشتراک دانش بین دانشجویان، دپارتمان‌ها و اعضای هیات علمی برای انتقال دانش فردی و گروهی به دانش سازمانی لازم و ضروری است که به سمت مدیریت دانش موثر پیش می‌رود (اسلام و همکاران^۱، ۵۹:۲۰۱۱). دانش، محور بسیاری از اقتصادهای معاصر بوده و مدیریت آن برای موفقیت سازمان‌ها خیلی حیاتی می‌باشد. دانش اطلاعاتی است که چیزی یا کسی را تغییر می‌دهد هم به واسطه مبنایی برای کنش‌ها یا بواسطه ایجاد صلاحیت فردی متفاوت یا کنش موثر موجب این تغییر می‌شود (ناچیموتو^۲، ۳۶۹:۲۰۰۷). امروزه، رقابت سازمانی در رابطه با منابع ناملموس مانند دانش و فرآیندهای انتقال آن مطرح می‌شود. دانش، مفهوم، مهارت، تجربه و پنداره‌ای است که چارچوبی را برای خلق، ارزیابی و استفاده از اطلاعات فراهم می‌سازد. فرآیند مبادله و تولید دانش ممکن است آشکار و پنهان باشد (نویی پور و چاربند^۳، ۷۳۱:۲۰۱۶).

اشتراک دانش جزء لاینفک مدیریت دانش است که به عنوان «تامین کننده اطلاعات کار و چگونگی فهم یک فرد، برای اینکه بتواند برای حل مساله با دیگران تشریک مساعی داشته باشد و ایده‌های جدیدی را بسط دهد یا سیاست‌ها و شیوه‌هایی را طراحی کنند». چو و آلوارنجا^۴ چهار طبقه بزرگ از شرایط ایجادکننده اشتراک دانش را مشخص می‌سازند. ویژگی‌های اجتماعی و رفتاری (نظیر اعتماد متقابل، جستجوی دقیق، گفتگوی آزاد)، ویژگی‌های شناختی و معرفتی (مانند دانش عمومی، ارزش‌ها و اهداف مشترک)، ساختار سازمانی (نظیر تقسیم بندی قدرت، سبک‌های رهبری) و تامین سیستم‌های اطلاعاتی (نظیر اینترنت، اینترنت) (زاهدی و همکاران^۵، ۹۹۶:۲۰۱۶). با اینکه، اشتراک دانش مزایای زیادی را بوجود می‌آورد، همچنان یکی از مسایل و چالش‌های اصلی برای سازمان‌ها است. موفقیت در پیاده سازی اشتراک دانش بستگی به تمایل و اشتیاق فردی به اشتراک گذاری دارد. رفتارهای اشتراک دانش می‌تواند از طریق تحریک افراد درگیر در این رفتارها ارتقاء یابد (باک و همکاران، ۹۲:۲۰۰۵). از

1 Islam et al

2 Naachimuthu

3 Navimipour and Charband

4 Choo & Alvarenga

5 Zahedi and et al

سوی دیگر، اشتراک و انتقال دانش عوامل مهمی هستند که فرآیندهای نوآوری و مزیت‌های رقابتی را تحت تاثیر قرار می‌دهد (واجهالا و وسیتیک^۱، ۲۰۱۳: ۹۰). کالین کوپمن^۲ (۲۰۱۳) با بازخوانی تبارشناسی فوکو استدلال می‌کند که یک تبارشناسی مناسب بیش از یک موضوع نیاز دارد. خلق و تولید موضوع مدیریت دانش مرتبط با کارگر دانش می‌باشد که در متون نظری اقتصاد دانش توصیف می‌شود. اشتراک گذاری موجد اشتراک، توزیع و دیجیتالی کردن می‌شود و از سوی دیگر با افزایش اقتصاد دانش، کارگر دانش توانایی استخراج آن برای ارزشی است که به عنوان کالای کمیاب نشان داده می‌شود (رویستر^۳، ۲۰۱۳: ۷). اشتراک دانش برآن است که کار مفیدی را برای دانش انجام دهد و بهبود آن در دو بعد صورت می‌گیرد: بعد نخست مدیریت دانش موجود که دربرگیرنده توسعه ذخیره کنندگان دانش (مستندات، مقالات و گزارشات) و تالیف دانش می‌باشد. و بعد دیگر مدیریت فعالیت‌های دانش محوره عبارتی اکتساب دانش، خلق، توزیع، ارتباط، اشتراک و کاربرد آن می‌باشد (ناسورا و حسن^۴، ۲۰۰۸: ۱۶۵). در واقع، یکی از متغیرهایی که اشتراک دانش را محیط دانشگاهی تحت تاثیر قرار می‌دهد، اعتماد اجتماعی است. اعتماد بواسطه رویدادهای مطلوب گذشته توسعه می‌یابد که به سمت توقعات و انتظارات مثبت نسبت به فعالیت‌های آینده پیش می‌رود. زمانی که اعتماد به وجود می‌آید، فضای اشتراک دانش شکل می‌گیرد که تمایل اعضا به مشارکت در تعاملات اشتراک دانش همکاری جویانه را افزایش می‌دهد (یاین و همکاران^۵، ۲۰۱۵: ۴). اشتراک دانش به صورت گسترده در زندگی روزمره وجود دارد و براساس اعتماد متقابل تداوم می‌یابد. اگرچه، زمانی که اطلاعات و دانش به عنوان یک دارایی ارزشمند تلقی می‌شود و پنهان کردن و نگهداشت اطلاعات هم مورد توجه خواهد بود (چن و کو^۶، ۲۰۱۷: ۳). بلو^۷ (۱۹۶۴) تاکید می‌کند که اعتماد عنصر کلیدی در یک رابطه اجتماعی است. هرچه اعتماد بین افراد بیشتر باشد، روابط اجتماعی بین آنها قوی تر و بیشتر خواهد بود. اعتماد برای تعاملات اجتماعی و فرآیندهای تعامل متقابل ضروری است و نقش مهمی را در فرآیندهای اشتراک دانش بازی می‌کند (پای^۸، ۲۰۰۶: ۱۰۸). پژوهش حاضر در پی پاسخ به این سوالات هست که رابطه ابعاد اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش چگونه است؟ و میزان اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی تا چه حدی است؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

در زیست جهان معاصر، متناسب و متنابر با پیشرفت فناوری و تکنولوژی در سایه سار جهانی شدن، دیدگاه‌های فرهنگی و اجتماعی هم در معرض تغییر و تحولات اساسی قرار گرفته است. این تحولات،

1 Vajjhala & Vucetic

2 Colin Koopman

3 Royster

4 Nassuora and Hasan

5 Yeon et al

6 Chen and Kuo

7 Blau

8 Pai

زمینه‌های زیادی را دربرگرفته است که عرصه علم و دانش هم از این امر مستثنا نیست. به نظر می‌رسد که در دنیای پرقابیت امروز، دانش و بهره‌گیری از آن یک مزیت رقابتی است و رقابت موثر در اجتماع دانش محور بیشتر نیازمند به اشتراک گذاری دانش در حوزه‌های دانش ضمنی و آشکار می‌باشد. دانش به تنهایی چیزی نیست، ولی وقتی که به اشتراک گذاشته می‌شود، ارزش خود را پیدا می‌کند. اشتراک دانش ابتدا در سازمان‌های بازرگانی و تجاری به منظور تشویق کارفرمایان برای به اشتراک گذاشتن دانش‌شان در جهت عملکرد گروهی و مزایای رقابتی مطرح شد. به همان اندازه، اشتراک دانش در سازمان‌های غیر تجاری مانند نهادهای علمی و دانشگاهی هم اهمیت زیادی دارد (مالاسی و آنین^۱، ۲۰۱۵). نونوکا و تاکه‌چی (۱۹۹۵) معتقدند که یادگیری فردی، شالوده و بنای اصلی یادگیری سازمانی تلقی می‌شود؛ «دانش تنها به وسیله افراد خلق می‌شود، یک سازمان خود به تنهایی و بدون افراد قادر به خلق دانش نیست. دانش‌آفرینی سازمانی، فرآیندی است که در طی آن سازمان، دانش خلق شده به وسیله افراد را بسط و توسعه می‌دهد و آن را در سطح گروهی از طریق دیالوگ، مباحثه و تشریک تجربه متبلور می‌سازد». محققان اصولاً روی این نکته اتفاق نظر دارند که یادگیری فردی پیش درآمدی بر یادگیری سطوح بالاتر است. دانش گروهی، جمع صرف دانش فردی نیست، بلکه دانش افراد بایستی از طریق هماهنگ نمودن تعاملات و فناوری‌های اطلاعات تشریک و تسهیم گردد. این سطح از یادگیری سازمانی، مستلزم تبدیل یادگیری فردی و گروهی در یک چارچوب سیستماتیک از سرمایه سازمان می‌باشد (نونوکا و تاکه‌چی، ۱۹۹۵). چنانچه امروزه، در قالب رویکرد جدیدی به نام مدیریت دانش پدیدار شده است.

بسیاری از سازمان‌ها منافع حاصل از مدیریت دانش را تشخیص داده‌اند. باب‌کاک^۲ گزارش می‌دهد که در کمپانی‌های ورشکسته حداقل ۳۱/۵ بلیون دلار هر سال در نتیجه فقدان اشتراک دانش از بین می‌رود. مطالعات مختلف، دلایل شکست مدیریت دانش را در عدم توجه به اینکه چگونه زمینه سازمانی و بین فردی و به همان اندازه خصوصیات فردی، اشتراک دانش را تحت تاثیر قرار می‌دهد، می‌دانند (جامری و علی^۳، ۲۰۱۵: ۲۹۰). از این رو، امروزه در کشورهای مختلف، مدیران مشتاق به ایجاد سیستم‌های مدیریت دانش در سازمان‌ها می‌باشند. یکی از مولفه‌های اصلی مدیریت دانش، اشتراک دانش بین افراد و همچنین بین افراد و سازمان به منظور ایجاد مزیت رقابتی می‌باشد (اسکندری و ولوی، ۱۳۹۶: ۶۰). براساس قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۰-۱۳۹۴) طبق مواد فصل دوم یعنی علم و فناوری، ماده ۲۰ و تبصره‌های مربوط به آن بر نقش کلیدی آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و آموزش عالی در رسیدن به یک جامعه دانش محور تاکید شده است (فرج پهلوی و همکاران، ۲۰۱۳: ۹۵).

اشتراک دانش اهمیت خود را از نقشی که در بهبود کارایی هر سازمان و دانشگاه و مزایای رقابتی‌ای که به آن می‌بخشد، به دست می‌آورد و عنصر محوری در مدیریت موفق دانش می‌باشد. اشتراک دانش، یکی از ویژگی‌های فرهنگ دانش سالم هست که در شیوه‌هایی که سازمان عمل می‌کند، تعبیه شده

1 Mallasi & Ainin

2 Babcock

3 Jumeri and Ali

است و از این حیث که به توسعه مهارت‌ها، قابلیت‌ها، ایجاد ارزش افزوده و حمایت از مزیت رقابتی به سازمان کمک می‌کند، حائز اهمیت بسیاری است (حسین قلی زاده، ۱۳۸۹:۶۳). اشتراک دانش موثر بین اعضای یک سازمان یا مرکز علمی منجر به کاهش هزینه‌ها در تولید دانش و تضمین انتشار بهترین روش‌های کاری در داخل سازمان شده و سازمان را قادر به حل مسائل و مشکلات خود می‌نماید. اشتراک دانش از آن جهت که می‌تواند موجب گسترش سریع دانش به بخش‌های قابل کاربرد، دارای اهمیت می‌باشد. در واقع، اشتراک گذاری دانش سبب اشتراک گذاشتن ایده‌ها می‌شود و ایده‌ها زمانی بیشترین تاثیر را به همراه دارند که به جای این که در تنها در اختیار تعداد کمی قرار گیرند، به طور گسترده در همه جا مورد استفاده باشند (اسکندری و ولوی، ۱۳۹۶:۶۰). آنچه از مرور متون و منابع برمی‌آید این است که بازدارنده‌های مختلفی در رابطه با اشتراک دانش مطرح هست، یکی از مهم‌ترین آنها بی‌اعتمادی است که در بین پژوهشگران حوزه‌های مختلف به دلایل گوناگونی نظیر کپی برداری، سرقت علمی و عدم رعایت امانت داری وجود دارد. با توجه به اینکه به نظر می‌رسد اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی در سطح پایینی قرار دارد. لذا پژوهش حاضر به دنبال مطالعه بی‌اعتمادی اجتماعی در اشتراک به مثابه یک مساله اجتماعی در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز می‌باشد.

مبانی نظری

دانش براساس تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات مبتنی بر متن، یا بینش‌های بی‌نظیر کارشناسی ساختار می‌یابد. دانش در مستندات ذخیره شده در سیستم و کارهای معمول روزانه، فرآیندها، اعمال و هنجارها قابل دسترس می‌باشد (لی^۱، ۲۰۰۱). دانش به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع برای تولید مزیت‌های رقابتی می‌باشد. استفاده موثر از دانش می‌تواند به سازمان‌ها کمک کند تا عملکرد بهینه را بدست آورد و استراتژی‌های موفق در دنیای جهانی شده را ایجاد کند. برای رسیدن به این نوع از موفقیت کارکنان در سازمان‌های مختلف و دانشجویان و اعضای هیات علمی در دانشگاه‌ها بایستی با همدیگر همکاری کنند و بواسطه اشتراک دانش بویژه یکدیگر را حمایت کنند (کویی، ۲۰۱۷:۳۸۰). اشتراک دانش به عنوان فرآیند مبادله دانش نظیر مهارت‌ها، تجربیات و فهم بین پژوهشگران، سیاستگذاران و تامین‌کنندگان خدمات تعریف می‌شود. اشتراک گذاری دانش تضمین می‌کند که عمل و استراتژی مبتنی بر شواهد می‌باشد. کانلی و کیلوی^۲ (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که اشتراک دانش مجموعه‌ای از رفتار است که مبادله اطلاعات و کمک به دیگران را دربرمی‌گیرد. این مفهوم دربرگیرنده عنصری از عمل متقابل می‌باشد، تسهیم اطلاعات می‌تواند یک طرفه و غیردرخواست شده باشد (اوسمان و همکاران^۳، ۲۰۱۵:۹۰۵). وانگ (۲۰۰۴) به اشتراک دانش به عنوان عمل سخاوتمندانه و اخلاقی از «اهداء» اشاره می‌کند که در محیط‌های کاری و مراکز آموزشی یک مساله است (باویک و همکاران، ۲۰۱۷:۲). یانگ و چن (۲۰۰۷) اشتراک دانش را به سه سطح

1 Lee

2 Connelly and Kelloway

3 Osman et al

تقسیم می‌کنند: سطح سازمانی، فردی و دانشی (چن و همکاران، ۲۰۱۷: ۶). اشتراک دانش زمانی رخ می‌دهد که فرد دانش خود را به اعضای دیگر در سازمان‌ها و دانشگاه‌ها منتقل می‌کند. رفتار اشتراک دانش به عنوان تبادل رفتار بین یک شرکت کننده و جستجو کننده و دربرگیرنده نظارت و اکتساب دانش تعریف می‌شود (کانگ و همکاران^۱، ۲۰۱۷: ۱۷۶).

مرور ادبیات نظری جامعه شناسی علم حکایت از سه الگوی تولید در اجتماعات علمی دارد. نخستین شیوه مبتنی بر الگوی رابرت مرتن هست که علم را فعالیتی مستقل از سایر نهادهای اجتماعی می‌داند. در این الگو، ساختار هنجاری نهاد علم حاصل عملکرد فعالیت‌های مستقل دانشمندان بوده و معیارهای رفتار در این نهاد را تشکیل می‌دهد. با ورود جوامع به عصر فراصنعتی شیوه دوم تولید دانش توسط مایکل گیبونز^۲، هلگانووتنی^۳ و همکاران در سال ۱۹۹۴ ارائه شد که معتقد بودند الگوی جهانی در شیوه‌های تولید علم یک چرخش کلی داشته است از تولید دانش بر مبنای علم یا رشته بنیادی براساس مدل‌های خطی به سمت شیوه تولید دانشی که به طور اجتماعی توزیع شده و لزوماً خطی نیست. جامع ترین بحث و مدل نظری درباره شیوه سوم تولید دانش توسط الیاس کارایانیس و دیوید کمپل^۴ در کتاب «تولید، توزیع و کاربرد دانش در شبکه‌های نوآوری و خوشه‌های دانش» ارائه شد. این شیوه از طریق به هم پیوستن چندین تفکر و اندیشه که قصد دارند بین نظریه و سیستم‌ها، دانش و نوآوری ارتباط برقرار کنند، شکل می‌گیرد (تقی زاده کرمان و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۶۵).

به اعتقاد پارسونز، چهار هنجار اساسی دانش علمی عبارت است از اعتبار تجربی، صراحت منطقی، استحکام منطقی و عمومیت اصول. زمانی که پارسونز از نقش حرفه‌ای دانشمندان بحث می‌کند، وی این موضوع را در رابطه با ویژگی‌های اصلی و بنیادی مانند جهانی بودن و بی‌طرفی عاطفی تحلیل می‌کند. وی همچنین از دو هنجاری صحبت می‌کند که دانشمندان را مترادف با محقق نشان می‌دهد یعنی «سعی و کوشش علمی» و پذیرش «اعتبار یافته‌های علمی» ارائه شده. به اعتقاد پارسونز در دانش علمی، چهار هنجار اساسی برای اهل علم الزام آورند. کار عالم باید از لحاظ تجربی معتبر باشد، وضوح و صراحت منطقی داشته باشد، دارای ثبات و واجد کلیت باشد (محسنی، ۱۳۹۳: ۷۶).

نظریه رفتار برنامه ریزی شده اجزن^۵ چارچوبی را برای مطالعه نیت رفتاری دانشگاهیان و رفتار واقعی اشتراک دانش به وجود می‌آورد. به نظر اجزن^۶ (۱۹۸۵) رفتار انسان بواسیله سه نوع از باورهای برجسته پیش بینی می‌شود: باورهای رفتاری نسبت به نتایج احتمالی یا ویژگی‌های رفتاری، باورهای هنجاری نسبت به انتظارات هنجاری دیگران، و باورهای کنترلی نسبت به حضور عواملی که کارآیی رفتار را تسهیل یا باز می‌دارد. در کل، باورهای رفتاری، نگرش مطلوب و نامطلوب نسبت به رفتار بوجود می‌آورد، باورهای

1 Kang et al

2 Gibbons

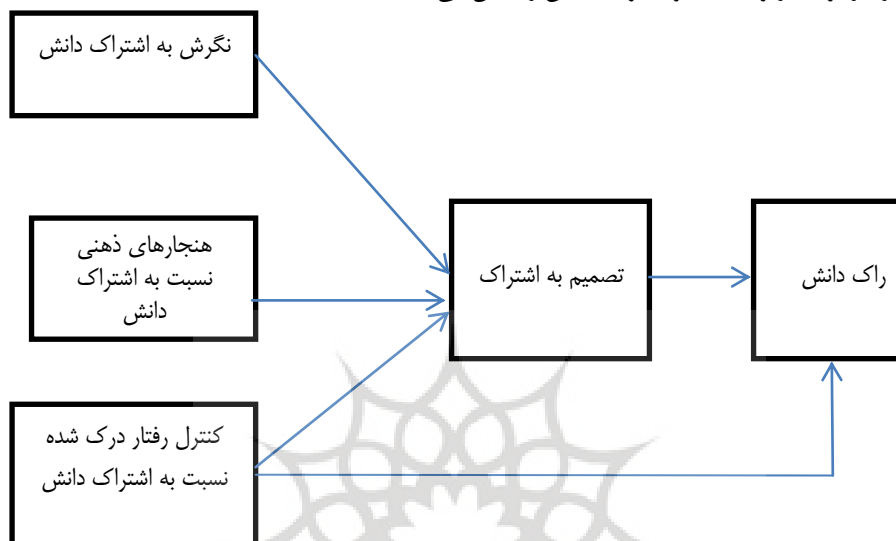
3 Helganowotny

4 Elias Carayannis & David Vampbell

5 Ajzen

6 Ajzen

هنجاری منجر به فشار اجتماعی درک شده یا هنجارهای ذهنی می‌شود و باورهای کنترلی، کنترل رفتاری درک شده را افزایش می‌دهد (الامی اسکاییک و اوسمان^۱، ۲۰۱۵: ۱۶۵). در شکل زیر فرآیند تاثیرگذاری نظریه رفتار برنامه ریزی شده بر اشتراک دانش را نشان می‌دهد.



شکل ۱: تئوری رفتار برنامه ریزی شده

اعتماد بر رفتارهای مبادله اجتماعی بین مردم تاثیر دارد. یو و تسانگ^۲ (۲۰۰۸) در پژوهش هایی به این نتیجه رسیدند که اعتماد ارتباط افراد به فضای سایبری و تمایل آنها به اشتراک دانش مرتبط می‌باشد. اعتماد تاثیر بزرگی بر رفتارهای مشارکت کنندگان در اجتماع واقعی است که دانش را به اشتراک می‌گذارند. آنها استدلال می‌کنند که رفتارهای اشتراک دانش که مبتنی بر اعتماد باشد می‌تواند تمایل اعضاء را برای تامین منابع خصوصی به دیگران و برای شکل دادن به رفتارهای مبادله بهبود ببخشد. اعتماد اجتماعی به عنوان متغیری کلیدی در تاثیرگذاری بر اشتراک دانش عمل می‌کند. زمانی که افراد به همدیگر اعتماد می‌کنند، آنها نسبت به اطلاعات یا منابع فردی اقدام کنند. اعتماد اجتماعی مهم است برای اینکه فضای ضروری برای نگهداشت مبادله اجتماعی در اجتماعات واقعی را به وجود می‌آورد. اعتماد، زندگی اجتماعی قابل پیش بینی را به وجود می‌آورد، آگاهی اجتماعی را ایجاد کرده و آن را برای کارکردن افراد با همدیگر تسهیل و میسر می‌سازد (جین یانگ^۳، ۲۰۱۳: ۱۷۴).

از نظریات قابل کاربرد در حوزه اشتراک دانش، نظریه مبادله اجتماعی است که هزینه- فایده درک شده را به همان اندازه‌ی تاثیرات اعتماد و عدالت اجتماعی در اشتراک دانش مورد تاکید قرار می‌دهد.

1 Alami Skaik and Othman

2 WU and Tsang

3 Jinyang,

پژوهش‌های زیادی نیاز هست تا مکانیسم‌های بالقوه تاثیر اعتماد بر تشریک دانش را مورد بررسی و مطالعه قرار دهد. در حالی که قابلیت اعتماد منبع انتقال دانش را در بین بخش‌ها تقویت می‌کند، درک مورد اعتماد واقع شدن توسط گیرنده دانش هم انگیزه او برای تشریک دانش با این فرد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. اعتماد مشروط و غیرمشروط هم روابط مختلفی با تشریک دانش دارد. مطالعات مختلف، رویکرد مبادله اجتماعی تعمیم یافته و تئوری معماهای اجتماعی را بررسی کردند تا فهم ما را نسبت به شرایطی که در آن اشتراک دانش رخ می‌دهد را بالا ببرند. ایده‌ها، تجربیات، و دانش تسهیم شده در سیستم مدیریت دانش به عنوان کالاهای عمومی در نظر گرفته می‌شوند که در دسترس همه اعضای سیستم هست و ارزش آنها با استفاده کردن کاهش نمی‌یابد. بخاطر اینکه دسترسی به دانش (کالای عمومی) در دسترس همه کارکنان هست، آنها تحریک می‌شوند تا از آن سواری مجانی بگیرند؛ یعنی به دست آوردن سود از ایده‌ها و دانش تشریک شده بواسطه دیگران بدون کمک به سیستم مدیریت دانش. رویکرد مبادله اجتماعی تعمیم یافته برای بررسی توسعه دینامیک اعتماد در زمانی که مرتبط با تشریک دانش هست، سودمند می‌باشد. مبادله اجتماعی تعمیم یافته درباره دانش همچنین بین کارکنان در تیم‌هایی که دانش را از تیم‌های دیگر دریافت می‌کنند ممکن است رخ دهد که بواسطه اشتراک دانش با تیم‌های دیگر جبران می‌شود (وانگ و نتو^۱، ۲۰۱۰: ۱۲۲). پژوهشگران تئوری مبادله اجتماعی را برای آزمون اینکه چگونه اعتماد و عدالت - دو عنصر اصلی روابط بین فردی - با اشتراک دانش مرتبط می‌باشد. آزمون اعتماد و عدالت مهم است برای اینکه اشتراک دانش دربرگیرنده تامین و تهیه دانش به افراد یا گروه دیگر نظیر گروه یا اجتماع همراه با انتظاراتی برای عمل متقابل می‌باشد. آبرامز^۲، کراس^۳، لیسیر^۴ و لوین^۵ (۲۰۰۳) در یک مطالعه با روش کیفی ده رفتار مرتبط با ارتقای اعتماد بین فردی را در بستر اشتراک دانش مشخص کرده اند. آنها استدلال می‌کنند که نفوذ و تاثیر این عوامل اعتماد ساز نظیر مشارکت در ارتباط همکاری جویانه بستگی به ویژگی‌های سازمان دارد. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که تاثیر و شناخت مبتنی بر اعتماد همبستگی مثبتی بر اشتراک دانش در سطوح گروه دارد (وانگ و نتو^۶، ۲۰۱۰: ۱۲۱).

نظریه سرمایه اجتماعی تبیین می‌کند که چگونه تغییرات در ارتباط با افراد در یک سیستم اجتماعی کنش، همکاری، همیاری و مبادله منابع را تسهیل می‌کند. جیمز کلن در فرآیند سرمایه اجتماعی اینگونه توضیح می‌دهد: اگر فرد A چیزی را برای فرد B انجام دهد و به فرد B اعتماد کند به امید اینکه در آینده آن را جبران کند، این امر انتظاراتی را در فرد A و تعهداتی را در طرف B به وجود می‌آورد. این تعهدات به عنوان اعتباری است که توسط A برای عملکرد B قلمداد می‌شود... مگر اینکه تعیین محل اعتماد غیرعقلانه باشد و اینها بدهی‌های بدی خواهند بود که پرداخت نخواهند شد.

1 Wang & Noe

2 Abrams

3 Cross

4 lesser

5 Levin

6 Wang & Noe

کلمن (۱۹۸۸) استدلال می‌کند که به منظور ساخت سرمایه اجتماعی در سیستم‌های اجتماعی، دو عنصر حیاتی می‌باشد: کنش و اعتماد بین افراد. برای هر کنشی که رخ می‌دهد، یک تصمیم اعتماد ساخته می‌شود، اینکه کنش تایید و تصدیق می‌کند که اعتماد تضمین می‌کند یا مطرح می‌کند که اعتماد به وجود نیامده است. در یک سیستم اجتماعی نظیر گروه، اعتماد به عنوان یک عامل کلیدی در کاهش ریسک، پیچیدگی، و نااطمینانی بوده و فضای مثبتی از همکاری در بین افراد سیستم به وجود می‌آورد. نقش اعتماد در سازمان به وسیله دو مدل نشان داده می‌شود. یک مدل مسلط اعتماد را به عنوان دارا بودن تاثیر مستقیم روی نتایج تیم توصیف می‌کند. مدل دوم اعتماد را به عنوان دارا بودن تاثیر تعدیل‌کننده بر نتایج گروه توصیف می‌کند. دریکس و فیرین^۱ (۲۰۰۱) پژوهش‌هایی را یافتند که مدل اول یعنی اعتماد به عنوان تاثیر اصلی) نتایج ناسازگار، و غیر محکم بویژه زمانی که اعتماد به گونه‌ای طرح می‌شود که تاثیرات مثبت بر رفتارهای محیط کار و نتایج عملکرد می‌گذارد. از سوی دیگر، پژوهش‌هایی که مدل دوم را در نظر می‌گیرند (اعتماد به عنوان تعدیل گر) نشان می‌دهند که اعتماد یک شرایط ضروری برای نتایج بهتر تیم فراهم می‌سازد و یافته‌های سازگاری را آشکار می‌سازد (آشارو و همکاران^۲، ۲۰۱۶: ۶).

با مرور ادبیات نظری می‌توان استنباط کرد که اعتماد یکی از متغیرهای تاثیرگذار در اشتراک دانش است و پژوهشگران زیادی بر این عقیده اند که افراد زمانی که اعتماد در بین آنها باشد، با اشتیاق کامل دانش را بادیگران مبادله می‌کنند. روزندال (۲۰۰۹) استدلال می‌کند که یکی از عواملی که در سازمان‌ها و مراکز آموزش عالی بر اشتراک دانش تاثیر می‌گذارد، شرایط اجتماعی و اعتماد در بین اعضای گروه همراه با حمایت قوی مدیریت می‌باشد. آبرامز و همکاران^۳ (۲۰۰۳) بر این باور بودند که اعتماد بین فردی می‌تواند مبنای خوبی برای یادگیری و انتقال دانش بوجود بیاورد (ملاسی و آنین^۴، ۲۰۱۵: ۳). ماکینو و اینکپن استدلال می‌کنند که سرمایه اجتماعی به دو روش، به اشتراک دانش کمک می‌کند نخست، سرمایه اجتماعی یک مجموعه از اصول منظم و مرتب سازماندهی را خلق می‌کند که به عنوان مکانیسم رمزگذاری دانش در زمان مشترک برای دسترسی گروهی از افراد که به نوبه خود هویت سازمانی را تقویت می‌نمایند، عمل می‌کند. دوم، سرمایه اجتماعی کارایی کنش‌های فرستنده و گیرنده دانش را بالا برده و همین امر احتمال رفتار فرصت طلبانه و ضرورت فرآیندهای هزینه آور پایش و هزینه‌های مبادله را کاهش می‌دهد (سرلک و اسلامی، ۱۳۹۰: ۴).

پژوهش‌های قبلی نشان می‌دهند که عوامل اجتماعی ممکن است جریان مهارت‌های علمی را ارتقا دهند یا بازدارند. اندیشمندانی که دارای پیوند اجتماعی قوی هستند بیشتر تمایل دارند تا همکاری کنند و کسانی که چنین ارتباطی ندارند یا کسانی که دشمنی دارند از جریان دانش و فنون علمی جلوگیری می‌کنند. راجزر^۵ (۱۹۸۲) دوستی و صمیمیت و اهداف فردی را یک انگیزه قوی برای مبادله می‌داند. کارتر^۶

1 Dirks and Ferrin

2 Alsharo et al

3 Abrams

4 Mallasi & Ainin

5 Rogers

6Carter

(۱۹۸۹) مبادله دانش و معلومات را-مبادله دانش تکنولوژیکی- به مثابه مبادله پایاپای می‌دانست. وی استدلال می‌کند که تفسیرهای اجتماعی و اقتصادی متضاد هم نیستند بلکه با هم سازگار هستند. در واقع، ارزش‌گذاری (ارزش‌گذاری هزینه‌ها و منافع تامین دانش) توسط شرکت کنندگان منجر به رفتار مشابهی می‌شود. روابط مبادله دائمی به عنوان منافع و فهم متقابل (انتظارات رفتاری) شکل می‌گیرد. کارتر به روشنی به عناصر اعتبار و اهمیت نقشی که آن در انتقال دانش تکنولوژیکی بازی می‌کند، اشاره دارد. بارنی و هانسن (۱۹۹۴) استدلال می‌کنند که توانایی مبتنی بر مکانیسم‌های حکمرانی اجتماعی در مبادله‌های مختلف به ساختار شبکه روابطی بستگی دارد که مبادله در آن تعبیه شده است (اینساین^۱، ۲۰۰۹: ۲۹).

مروری بر پیشینه تجربی پژوهش

ملاسی و آیین (۲۰۱۵) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که متغیرهای غیرمادی نظیر لذت کمک به دیگران، خودکارآمدی، اعتماد بین فردی تأثیر مثبت و معنی داری بر اشتراک دانش دارد. علاوه بر این، دینداری نقش میانجی در ارتباط بین متغیرهای مادی و رفتار اشتراک دانش دارد (ملاسی و آیین، ۲۰۱۵). بوث (۲۰۱۲) در مطالعه‌ای کیفی به این نتیجه رسیدند که اشتراک دانش و اعتماد پرورش داده می‌شود و بواسطه اهداف روشن و هویت مشترک، گزینه‌های متعدد و تعدیل‌کننده قابل اعتماد به همان اندازه مدلسازی و تقویت رفتار متناسب آنلاین حفظ می‌شود (بوث^۲، ۲۰۱۲).

مک نیش و سینگ مان (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان اشتراک دانش و اعتماد در سازمان‌ها به این نتیجه رسیدند که اعتماد یکی از پیش‌بین کننده‌های متعدد اشتراک دانش بوده و نقش تعیین کننده‌ای در تبیین تسهیم دانش دارد (مک نیش و سینگ مان^۳، ۲۰۱۰). لوین و کراس (۲۰۰۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اعتماد تأثیر مثبت و مستقیمی بر انتقال دانش به ویژه دانش ضمنی دارد (لوین و کراس، ۲۰۰۴).

یانگ و فارن (۲۰۰۹) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اعتماد عاطفی، قصد و نیت به اشتراک‌گذاری دانش ضمنی را بیشتر از سایر ابعاد اعتماد تحریک می‌کند (یانگ و فارن^۴، ۲۰۰۹).

آغاز و نگین تاجی (۱۳۹۲) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که اعتماد درون سازمانی بر رفتارهای تسهیم دانش درون واحدی و میان واحدی تأثیر مثبتی دارد و شدت این رابطه درباره تسهیم دانش میان واحدی بیشتر است. در خبرگزاری ایسنا، افراد چندان تمایل ندارند دانش خود را با اعضای شایسته‌تر واحد خود تسهیم کنند، اما از اینکه دانش خود را در اختیار اعضای سایر واحدها بگذارند چندان هراسی ندارند (آغاز و نگین تاجی، ۱۳۹۲).

الوانی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان رابطه اعتماد و تسهیم دانش در معاونت آموزش ناجا و مراکز تابعه با روش اسنادی و پیمایشی به این نتیجه رسیدند که معاونت ناجا با افزایش سطح اعتماد

1 Ensign

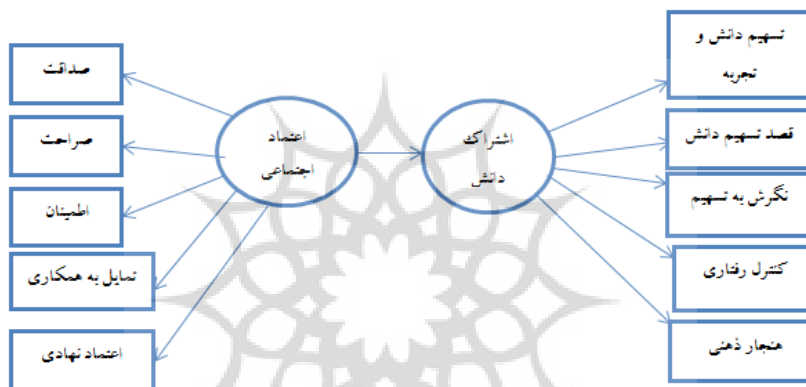
2 Booth

3 Neish and Singh Mann

4 Yang and Farn

کارکنان، مشارکت آن‌ها را در تصمیم‌گیری‌ها و توزیع دانش خود جلب کرده است. و در جهت رسیدن به اهداف سازمانی خود موفق بوده است. همچنین سطح اعتماد در ابعاد هفتگانه آن در معاونت ناجا از وضعیت مطلوبی برخوردار است (الوانی و همکاران، ۱۳۹۰).

رهنورد و صدر (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان رابطه ادراک فرهنگ تسهیم دانش کارکنان با عوامل سازمانی در دستگاه‌های دولتی که با روش همبستگی انجام داده اند به این نتیجه رسیدند که تعهد مدیریت به تسهیم دانش، وجود تکنولوژی مناسب، اعتماد، اندازه سازمان، فضای تعامل اجتماعی، ساختار پاداش و تفاوت در موقعیت ارتباط رابطه مثبت و معنی داری با ادراک فرهنگ تسهیم دانش در دستگاه‌های دولتی استان قزوین دارند (رهنورد و صدر، ۱۳۸۸).



مدل ۱: مدل تحلیلی پژوهش

فرضیه‌های تحقیق

بین اعتماد اجتماعی و ابعاد آن و اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز رابطه وجود دارد.

میزان اشتراک دانش بر حسب جنسیت دانشجویان تحصیلات تکمیلی تغییر می‌کند.

میزان اشتراک دانش بر حسب طبقه اجتماعی دانشجویان تحصیلات تکمیلی تغییر می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با روش پیمایش انجام گرفته است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه تبریز در سال تحصیلی ۹۵-۹۶ می‌باشد که تعداد آنها ۵۵۸۹ نفر بوده و با استفاده از فرمول کوکران و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب ۶۵۰ نفر به عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. واحد تحلیل در این پژوهش فرد می‌باشد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss استفاده شده است. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش آجن استفاده شد. برای اندازه‌گیری

متغیرهای مستقل و وابسته جهت حصول اعتبار، با انجام پیش آزمون ۱ با استفاده از اعتبار صوری ۲ و آلفای کرونباخ اصلاح نهایی گویه‌ها انجام گرفت. بر اساس نتایج ارزیابی نهایی متخصصان گویه‌ها دارای اعتبار کافی بوده و همچنین نتایج تحلیل پایایی^۳ با استفاده از آلفای کرونباخ، به تفکیک متغیرها برآورد شده است. ضرایب پایایی برای اعتماد اجتماعی (۰/۷۷۶) و متغیر وابسته پژوهش ۰/۸۱۲ است. این امر حاکی از آن است که گویه‌های انتخاب شده برای اندازه‌گیری متغیرهای تحقیق مناسب بوده‌اند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار Spss نسخه ۲۲ استفاده شده است.

تعاریف مفهومی و عملیاتی

اشتراک دانش: فرآیندی است که در آن دانش افراد به شکلی تبدیل می‌شود که توسط دیگران درک شده و به کار گرفته شود. همچنین اشتراک دانش به عملی اشاره دارد که با دانش به دیگران کمک شود، با دیگران برای حل مشکلات همکاری کند، ایده‌های جدید را بسط دهد و فرآیند را کامل کند (Gaal and et al, 2015:187). برای سنجش این مفهوم از پرسشنامه اشتراک دانش آجزن که دربرگیرنده ۲۲ گویه و ۵ بعد تسهیم دانش و تجربه، قصد تسهیم دانش و تجربه، نگرش به تسهیم دانش و تجربه، کنترل رفتاری در تسهیم و هنجار ذهنی در تسهیم دانش و تجربه می‌باشد، استفاده شده است.

اعتماد اجتماعی: اعتماد را می‌توان داشتن دید مثبت و حسن ظن درباره افراد جامعه دانست که تسهیل‌گر روابط اجتماعی باشد. در این رابطه اجتماعی دو عنصر اساسی وجود دارد: الف) اعتماد کننده، ب) اعتماد شونده. در این میان اعتماد شوند ممکن است فرد، گروه یا سازمان باشد، در این تعامل اجتماعی طرفین انتظار دارند منافع شان برآورده شود (عباس زاده، ۱۳۸۳). برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه اعتماد اجتماعی که دارای مولفه‌های صراحت، صداقت، اطمینان، تمایل به همکاری و اعتماد نهادی می‌باشد، استفاده شد.

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، نزدیک به ۴۰ درصد را دانشجویان دختر و ۴۷ درصد را دانشجویان پسر تشکیل می‌دهند. براساس وضعیت تاهل ۶۵ درصد از دانشجویان تحصیلات تکمیلی مجرد و ۱۴ درصد متأهل هستند و تقریباً ۲۰ درصد هم به این سوال پاسخی ندادند. پاسخگویان پژوهش حاضر به لحاظ مقطع تحصیلی حدود ۴۸ درصد کارشناسی ارشد و ۳۳ درصد دکترا بودند که در جدول (۱) مشخص است.

1 Pre-Test
2 Face Validity
3 Reliability

جدول ۱. یافته‌های توصیفی پاسخگویان شرکت کننده در پژوهش

متغیرهای توصیفی	متغیر اصلی	تعداد	درصد	میانگین	انحراف استاندارد
سن	دختر	۲۵۵	۳۹/۲۳	۸۴/۵۹	۱۰/۶۵
	پسر	۳۰۹	۴۷/۵۳	۸۳/۸۵	۱۱/۵۸
وضعیت زندگی	مجرد	۴۳۲	۱۴/۴۶	۸۳/۸۹	۱۱/۴۳
	متاهل	۹۴	۶۵/۰۷	۸۴/۴۷	۱۰/۰۸
تحصیلی مقطع	کارشناسی ارشد	۳۱۱	۴۷/۸۴	۸۲/۹۷	۱۱/۲۹
	دکتر	۲۱۵	۳۳/۰۷	۸۵/۴۸	۱۰/۹۱

برای آزمون رابطه بین سن و اشتراک دانش و ابعاد آن از آزمون پیرسون استفاده شده که نتایج آن نشان می‌دهد سن با اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی داری دارد. ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۱۱۷ می‌باشد که در سطح ضعیف می‌باشد. یعنی با بالا رفتن سن دانشجویان میزان اشتراک دانش آنها نیز افزایش می‌باشد.

- نتایج آزمون همبستگی حاکی از این است که سن با ابعاد اشتراک دانش یعنی تسهیم دانش و تجربه و نگرش به تسهیم دانش و تجربه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

- براساس آزمون ضریب همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین معدل و اشتراک دانش و همچنین با ابعاد تسهیم دانش و تجربه، قصد و کنترل رفتاری در تسهیم دانش و تجربه رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد.

جدول ۲. نتایج آزمون ضریب همبستگی روابط بین اشتراک دانش، سن و معدل

متغیرها	اشتراک دانش	تسهیم دانش و تجربه	قصد تسهیم دانش و تجربه	نگرش به تسهیم دانش	کنترل رفتاری در تسهیم دانش و تجربه	هنجارذهنی در تسهیم دانش و تجربه
سن	۰/۱۱۷*	۰/۱۴۴*	۰/۰۴۳	۰/۰۸۵*	۰/۰۷۵	۰/۰۴۹
معدل	۰/۰۹۹*	۰/۱۶۴*	۰/۱۰۴*	-۰/۰۴۱	۰/۰۹۰*	۰/۰۵۲

برای سنجش همبستگی بین متغیر اعتماد اجتماعی با ابعاد (صداقت، اطمینان، تمایل به همکاری، صراحت و اعتماد نهادی) و متغیر اشتراک دانش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد، نتایج نشان داد که: - همبستگی بین بعد صراحت با اشتراک دانش و ابعاد آن در سطح ۰/۹۹ معنی دار بوده و شدت همبستگی هم متوسط و جهت همبستگی از نوع مستقیم می‌باشد.

- نتایج نشان می‌دهد که بعد اطمینان با هیچ یک از ابعاد اشتراک دانش همبستگی مثبت و معنی داری ندارد.

- همبستگی بین تمایل به همکاری با مولفه‌های تشکیل دهنده اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری را نشان می‌دهد. شدت همبستگی متوسط به بالا بوده و نوع رابطه هم مستقیم می‌باشد. یعنی با بالا رفتن تمایل به همکاری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی میزان اشتراک دانش در بین آنها زیاد می‌شود.

- نتایج نشان می‌دهد که بعد صراحت با اطمینان ۰/۹۹ با ابعاد اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی‌داری دارد. شدت همبستگی هم متوسط و از نوع رابطه مستقیم می‌باشد.

- نتایج نشان می‌دهد که متغیر اعتماد نهادی با همه ابعاد اشتراک دانش به غیر از نگرش به تسهیم دانش و تجربه رابطه مثبت و معنی‌داری دارد.

- در کل، همبستگی بین متغیر اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش با اطمینان ۰/۹۹ معنی‌دار می‌باشد. متغیر اعتماد اجتماعی با همه ابعاد اشتراک دانش هم همبستگی مثبت و معنی‌داری دارد. ضریب همبستگی به دست آمده ۰/۵۴۴ نشان می‌دهد که شدت همبستگی دو متغیر در سطح بالا و نوع رابطه آنها به صورت مستقیم می‌باشد. بدین معنی که با افزایش میزان اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان، میزان اشتراک دانش نیز افزایش می‌یابد، برعکس اعتماد اجتماعی پایین با کاهش اشتراک گذاری دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی همراه خواهد بود.

جدول ۳. نتایج رابطه بین اعتماد اجتماعی و اشتراک دانش و ابعاد آن

متغیرها	تسهیم دانش و تجربه	قصد تسهیم دانش و تجربه	نگرش به تسهیم دانش و تجربه	کنترل رفتاری در تسهیم	هنجار ذهنی در تسهیم
صداقت	۰/۰۳۰۵*	۰/۰۳۲۸*	۰/۰۴۳۰*	۰/۰۳۴۶*	۰/۰۴۱۲*
اطمینان	۰/۰۰۶۸	۰/۰۱۱۳*	۰/۰۰۳۰	۰/۰۰۵۴	۰/۰۱۴۳**
تمایل به همکاری	۰/۰۳۳۲*	۰/۰۲۰۸**	۰/۰۴۸۹**	۰/۰۳۴۰*	۰/۰۳۹۲*
صراحت	۰/۰۲۷۳**	۰/۰۱۷۶**	۰/۰۳۲۹*	۰/۰۳۰۹*	۰/۰۳۴۸*
اعتماد نهادی	۰/۰۳۶۷*	۰/۰۳۳۷*	۰/۰۰۶۸	۰/۰۱۹۷*	۰/۰۳۵۸*
اعتماد اجتماعی	۰/۰۵۴۴*	۰/۰۷۶۲*	۰/۰۶۵۳*	۰/۰۷۱۵*	۰/۰۶۳۹*

*: معنی‌داری در سطح ۰/۰۱ **: معنی‌داری در سطح ۰/۰۵

در جدول (۳) آماره‌های میانگین نمرات اشتراک دانش در بین دو گروه زن و مرد را نشان می‌دهد. میانگین نمرات اشتراک دانش برای دانشجویان دختر ۸۴/۵۹ و برای دانشجویان پسر ۸۳/۸۵ می‌باشد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میزان اشتراک دانش در بین دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی‌داری ندارد.

جدول ۴. نتایج آزمون تفاوت میانگین اشتراک دانش بر اساس جنسیت در بین دانشجویان

متغیر	گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	آماره t	مقدار احتمال
اشتراک دانش	دختر	۲۵۵	۸۴/۵۹	۱۰/۶۵	۰/۷۷۷	۰/۲۵۱
	پسر	۳۰۹	۸۳/۸۵	۱۱/۵۸		

طبقه اجتماعی به عنوان یک متغیر رتبه ای چند حالتی و اشتراک دانش در سطح فاصله ای می باشد. جدول ۳ نتایج آزمون آنوا براساس طبقه اجتماعی پاسخگویان را نشان می‌دهد. میانگین نمرات اشتراک دانش برحسب طبقه اجتماعی با توجه به سطح معنی داری ($\text{sig}=0/499$) و مقدار آماره f برابر با ۰/۸۷۳ نشان می‌دهد که میزان اشتراک دانش برحسب طبقه اجتماعی تفاوت معنی داری ندارد.

جدول ۵. جدول ضرایب فرضیه طبقه اجتماعی و اشتراک دانش

	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	آماره F	معنی داری
میان گروهی	۵۵۰/۰۳۱	۵	۱۱۰/۰۰۶	۰/۸۷۳	۰/۴۹۹
درون گروهی	۶۶۸۹۵/۷۰	۵۳۱	۱۲۵/۹۸۱		
کل	۶۷۴۴۵/۷۳	۵۳۶			

برای انجام تحلیل رگرسیون چندگانه که از روش گام به گام استفاده شده است، ضریب تعیین برابر با ۰/۳۹۵ و ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۳۹۰ می‌باشد که بیانگر این مطلب است که ۳۹ درصد از واریانس اشتراک دانش توسط مولفه‌های اعتماد اجتماعی تبیین می‌شود. مقدار آماره دورین واتسون (۱/۹۷) نشان دهنده مستقل بودن باقیمانده‌ها از یکدیگر هست. همچنین پیش فرض مربوط به خطی بودن متغیرها از طریق آزمون آنالیز واریانس آزمون می‌شود که سطح معنی داری کمتر از ۰/۰۵ نشان دهنده داشتن رابطه خطی می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد که بعد تمایل به همکاری با ضریب بتای ۰/۳۳ به شکل بارزی بیشترین نقش را در تبیین اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارد. یعنی با کنترل سایر متغیرها، به ازای یک واحد تغییر در بعد تمایل به همکاری، میزان اشتراک دانش ۰/۳۳ واحد تغییر می‌کند.

جدول ۶. آماره‌های تحلیل رگرسیون چندگانه و خلاصه مدل رگرسیونی برازش شده

ضریب همبستگی چندگانه	۰/۶۲
ضریب تعیین	۰/۳۹۵
ضریب تبیین شده تصحیح شده	۰/۳۹۰
اشتباه معیار	۸/۸۴
آزمون دورین واتسون	۱/۹۷
مقدار $p=$ ۰/۰۰۰ $F=$ ۷۸/۳۴ کمیت	

جدول ۷. ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی اشتراک دانش

متغیرها	B	خطای معیار	Beta	t	سطح معنی داری	ضریب تحمل	عامل تورم واریانس
تمایل به همکاری	۰/۸۷۷	۰/۱۰۵	۰/۳۳۹	۸/۳۵	۰/۰۰۰	۰/۷۶۶	۱/۳۰
اعتماد نهادی	۰/۵۴۶	۰/۰۸۰	۰/۲۴۷	۶/۸۲	۰/۰۰۰	۰/۹۶۳	۱/۰۳
صداقت	۱/۲۲	۰/۱۸۹	۰/۲۶۵	۶/۴۹	۰/۰۰۰	۰/۷۵۸	۱/۳۱
سن	۰/۵۵۶	۰/۱۳۰	۰/۱۵۳	۴/۲۸	۰/۰۰۰	۰/۹۹۴	۱

بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر مطالعه جامعه‌شناختی مولفه‌های اعتناد اجتماعی در تبیین اشتراک دانش در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی می‌باشد. نتایج آزمون همبستگی نشان می‌دهد که اعتماد اجتماعی همبستگی مثبت و معنی داری با اشتراک دانش دارد که با یافته‌های پژوهش ملاسی و آیین (۲۰۱۵)، بوث (۲۰۱۲)، مک نیش و سینگ مان (۲۰۱۰)، لوین و کراس (۲۰۰۴)، آغاز و نگین تاجی (۱۳۹۲) و رهنورد و صدر (۱۳۸۸) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که اعتماد اجتماعی نقش تعیین‌کننده‌ای در اشتراک گذاری دانش دارد، به عبارت دیگر، در صورتی که فضای اعتماد در بین دانشجویان به وجود بیاید، میزان اشتراک گذاری دانش هم افزایش می‌یابد. نتایج آزمون همبستگی همچنین نشان می‌دهد که مولفه‌های اعتماد اجتماعی از قبیل صداقت، صراحت، اطمینان، تمایل به همکاری و اعتماد نهادی با تک تک ابعاد اشتراک دانش رابطه مثبت و معنی داری دارد. به نظر می‌رسد که اعتماد اجتماعی کارآیی و اثربخشی کنش‌های فرستنده و گیرنده دانش را بهبود بخشیده و هزینه‌های فرآیند اشتراک دانش را پایین می‌آورد و کنشگران تسهیم دانش را به عامل توانایی تبدیل می‌کند که می‌تواند دانش و اطلاعات جدیدی تولید کنند و آن را به دیگران انتقال دهند و از اینکه اطلاعات آنها مفید فایده دیگران قرار می‌گیرد احساس رضایت می‌کنند. نظریه مبادله اجتماعی هم موید این یافته می‌باشد بدین معنی که قابلیت اعتماد منبع انتقال دانش را تقویت کرده و انگیزه تولید کننده دانش را برای اشتراک گذاری بالا برده و موجبات خلق دانش جدید را دامن خواهد زد.

نتایج آزمون t نشان می‌دهد که میزان اشتراک دانش برحسب جنسیت تفاوت معنی داری ندارد. این یافته با نتایج پژوهش شاری و همکاران (۲۰۱۴) همسو می‌باشد. واقعیت امر این است که اشتراک دانش به عنوان یک موضوع مهم و بنیادی برای همه دانشجویان و پژوهشگران اعم از زن و مرد مطرح می‌باشد و طبیعی هم هست که تفاوت معناداری به لحاظ اشتراک دانش در بین دانشجویان وجود نداشته باشد.

یکی از یافته‌های پژوهش حاضر این است که اشتراک دانش بر حسب طبقه اجتماعی دانشجویان تفاوت معنی داری را نشان نمی‌دهد. به نظر می‌رسد که اشتراک دانش بیشتر به عوامل فردی یعنی توانایی‌ها، قابلیت‌ها و اعتماد به نفس و عوامل اجتماعی نظیر فرهنگ جمع گرایی و عوامل تکنولوژیکی یعنی دسترسی به امکانات اطلاعات و ارتباطات بستگی داشته باشد تا تعلق داشتن به یک طبقه اجتماعی

خاص. در پژوهش حاضر تفاوت معنی داری در میزان اشتراک دانش دانشجویان تحصیلات تکمیلی برحسب طبقه اجتماعی مشاهده نشد.

نتایج حاصل از رگرسیون حاکی از این است که ابعاد تمایل به همکاری، اعتماد نهادی و صداقت نزدیک به ۴۰ درصد از واریانس اشتراک دانش را در بین دانشجویان تحصیلات تکمیلی تبیین می‌کند. این موضوع نشان می‌دهد که یکی از متغیرهایی که می‌تواند در ارتباط با اشتراک گذاری دانش در بعد آشکار و پنهان بازدارنده باشد، بی‌اعتمادی اجتماعی است. بدین معنا که در صورتی که در بین دانشجویان و پژوهشگران حوزه‌های مختلفی نشانی از صداقت، تمایل به همکاری و اعتماد وجود نداشته باشد، امر اشتراک دانش هم نزدیک به غیرممکن خواهد بود.

واقعیت این است که شفافیت در سیستم علمی و نهادهای آموزشی بسترهای لازم برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در جهت اشتراک دانش را فراهم می‌سازد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به طولانی بودن پرسشنامه‌های متغیرهای تحقیق اشاره کرد که در مواردی خارج از حوصله پاسخگویان بود. دانشگاه در سطح مدیریتی می‌تواند با ارزشگذاری و ارج نهادن به استادان و دانشجویانی که در خلق و تولید دانش جدید و انتقال آن به سایرین گام‌های موثری برمی دارند، بسترهای اعتماد به نظام دانشگاهی را در آنان بوجود آورد و از طریق یک سیستم امتیازدهی نظاممند در جهت بازتولید اعتماد اجتماعی حرکت کند.

منابع

- 0 آغاز، عسل، نگین تاجی، فهمیه (۱۳۹۲)، اعتماد درون سازمانی: عاملی کلیدی در جهت تسهیم واقعی دانش، فصلنامه علوم مدیریت ایران، سال هفتم، شماره ۲۸، صص ۶۷-۸۶.
- 0 اسکندری، فاطمه، ولوی، پروانه (۱۳۹۶)، بررسی موانع و راهکارهای تسهیم دانش در شرکت‌های مستقر در پارک‌های علم و فناوری، فصلنامه مطالعات متبادری و علم اطلاعات، سال نهم، شماره ۲ (پیاپی ۲۰)، صص ۵۹-۸۶.
- 0 الوانی، سیدمهدی، عصار، محمدتقی، عابدینی، لیلا (۱۳۹۰)، بررسی رابطه اعتماد با تسهیم دانش در معاونت آموزش ناجا و مراکز تابعه، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، ۶ (۳)، ۳۸۹-۴۰۰.
- 0 تقی زاده کرمان، نفیسه، حسینقلی زاده، رضوان، جاویدی کلاته جعفرآبادی، طاهره (۱۳۹۴)، آسیب شناسی تولید دانش در هسته‌های پژوهشی علوم انسانی، راهبرد فرهنگ، شماره ۳۰، صص ۱۶۲-۱۸۸.
- 0 فرج پهلوی، عبدالحسین، سلیمان پور قراقلو، سمیرا، حیدری، غلامرضا (۱۳۹۵)، اشتراک دانش و عوامل موثر بر آن در میان دانشجویان تحصیلات تکمیلی دانشگاه شهید چمران اهواز در سال تحصیلی ۹۳-۹۴، مجله مطالعات کتابداری و علم اطلاعات، سال هشتم، شماره ۲ (پیاپی ۱۸)، ۱۹-۴۴.
- 0 قائم پور، محمدعلی (۱۳۹۳)، تعاملات و ارتباطات اجتماعی و علمی در دانشگاه صنعتی شریف از نظر دانشجویان، فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره ۲۰، شماره ۴، صص ۱۲۱-۹۵.
- 0 سرلک، محمدعلی، اسلامی، طاهره (۱۳۹۰)، تسهیم دانش در دانشگاه صنعتی شریف: رویکرد سرمایه اجتماعی، نشریه مدیریت دولتی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱-۱۸.

- 0 Bavik, Yuen lam, Tang, Pok Man, Shao, Ruodan, Lam, Long Wai (2017), Ethical leadership and employee Knowledge sharing: Exploring dual-mediation Paths, *The leadership Quarterly*, 10 (3): 1-14.
- 0 Bock, G. W., Zmud, R. W., Kim, Y. G. & Lee, J. N. (2005). Behavioral intention formation in knowledge sharing: Examining the roles of extrinsic motivators, social-psychological forces, and organizational climate. *MIS quarterly*, 2, 87-111.
- 0 Booth, Sharon Elizabeth (2012), cultivating knowledge sharing and trust in online communities for educators, *educational computing research*, 47 (1), 1-13.
- 0 Chen, Tsung-Yi, Chen, Yuh-min, Chen, Pen-Yuan, Lin, Chia-Jou (2017), Atwo-Dimensional Knowledge Authorization Evaluation Method enabling inter-enterprise knowledge sharing, *Computers and industrial engineering*, 4 (1): 1-30.
- 0 Cui, Xiling (2017), In-and extra-role Knowledge sharing among information technology professionals: The five-factor model perspective, *International Journal of Information Management*, 37 (4): 380-390.
- 0 Chen, Peng-Ting, Kuo, Shu-chen (2017), Innovation resistance strategic implications of enterprise social media websites in Taiwan through Knowledge sharing perspective, 24 (4): 1-15.
- 0 Ensign, Prescott C (2009), Knowledge sharing among scientists Why reputation Matters for R&D in multinational firms, Palgrave Macmillan.
- 0 Gaal, Zoltan, Szabo, Lajos, Obermayer-Kovacs, Nora and Csepregi, Aniko (2015), Exploring the Role of Social Media in Knowledge Sharing *Electronic Journal of Knowledge Management* Volume 13 Issue 3, 185-197.
- 0 Islam, Zahidul, Maheen Ahmed, Sylvana, Hasan, Ikramul, uddin Ahmed, Sarwar (2011). Organizational culture and Knowledge sharing: Empirical evidence from Service organization, *African Journal of Business Management*, 5 (14), 5900-5909.
- 0 Kang, Youn Jung, Lee, Jin Young, Kim, Hee-Woog (2017), A psychological empowerment approach to online knowledge sharing, *Computers in Human Behavior* 74, 175-187.
- 0 Jinyang, Li (2013), Knowledge sharing in virtual Communities: A social exchange Theory Perspective, *Journal od Industrial Engineering and Management*, 8 (1): 170-183.
- 0 Lee, J. N (2001), The impact of Knowledge sharing, Organizational Capability and partnership quality on IS outsourcing success, *Information & management*, 38 (5): 323-335.
- 0 Levin, D. Z., Cross, R (2004) The strength of weak ties you can trust: the mediating role of trust in effective knowledge transfer, *Management Science*, 50 (11), 1477-1490.
- 0 Royster S (2013), working with Big data. *Occupational Outlook Quarterly*, Available at: [http:// www. Bls.gov/ careeroutlook/ 2013/fall/art 01.pdf](http://www.Bls.gov/careeroutlook/2013/fall/art01.pdf), 2-10.
- 0 Mallasi, Hisham, Ainin, Sulaiman (2015), Investigating Knowledge sharing Behaviour in Academic Environment, *Journal of Organizational Knowledge Management*, DOI,64,3253, 1-20.
- 0 Mc Neish, Joanne, Singh Mann, Inder Jit (2010), Knowledge sharing and trust in organizations, *The Iup Journal of Knowledge management*, 5 (1): 19-38.
- 0 Nassuora, Ayman Bassam, Hasan, Shahizan (2008), Knowledge Sharing among Academics in Institutions of Higher learning, *The electronic Journal of Knowledge management*, 5 (4), 164-173.
- 0 Navimipour, Jafari, Charband, Nima, Yeganeh (2016). Knowledge sharing mechanisms and techniques in project teams: Literature review, classification, and current trend, *Computers in Human Behavior* 62 ,730-742.
- 0 Naachimthu, K, P (2007). We are from Knowledge sharing culture, *Management & Labour studies*, 32 (3): 369-374.

- 0 Pai, Jung, Chi (2006) "An empirical study of the relationship between knowledge sharing and IS/IT strategic planning (ISSP)", *Management Decision*, 44 (1), 105 – 122.
- 0 Osman, Suhaila, Mat Kamal, Siti Nuur, Nazri Ali, Mohammad, Munirah Mohd Noor, Jannah, WahiAnuar, Muhammad Asyraf, Othman, Razifah (2015), Mechanisms of Knowledge sharing among Undergraduate students in UiTM Johor, *Procedia Economics and Finance* 31 (10); 903-908.
- 0 Yeon, Kyeong Nam, Wong, Siew Fan, Chang, Younghoon, Park, Myeong-Cheol (2015), Knowledge sharing behavior among community member in Professional research information center, *Information development*, 5 (3), 1-18.
- 0 Zahedi, Mansooreh, Shahin, Mojtaba, Babar, Muhammad Ali (2016), A systematic review of Knowledge sharing challenges and practices in global software development, *International Journal of information Mngement*, 36, 995-1019.
- 0 Vajjhala, Narasimha Rao, Vucetic, Jelena (2013), Key Barriers to Knowledge Sharing in Medium-Sized Enterprises in Transition Economies, *International Journal of Business and Social Science*, Vol. 4 No. 13.
- 0 Yang, S., Farn, C (2009), social capital, behavioral control, and tacit Knowledge sharing: A multi-informant design, *International Journal of Information management*, 29 (3), 210-218.
- 0 Wang, Sheng, Noe, Raymond A (2010), Knowledge sharing: A review and directions for future research, *Human Resource management review*, 20 (9), 115-131.

